



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۱/۰۳

داکتر جلیله سلیمی

## اکثریت افغانها دروغگو و دو چهره هستند

تقریباً یک سال است که بیکار هستم ، اشتباه نکنید ناتوان تنبل و بیکاره نیستم . فقط یک چیز کم دارم، آن چیست؟ این مطلب را تا پائین بخوانید.

بعد از ۱۲ سال تجربه کار و تحصیل در بیرون از کشور به وطن برگشتم . طی این مدت برای پیدا کردن کار خیلی جا ها و افراد را که می شناختم از نزدیک دیدم و صحبت کردم. نظر به رشته تحصیلی و تجربه کاری ام در داخل و خارج کشور با مقامات بلند پایه وزارت های صحت و معارف دیدم ، برایشان طرح ها نوشتم پسندیدند و تشویق کردند. فراتر از توانایی هایم در مقابل مبالغه کردند ظاهراً شخص توانمند و دانشمندم گفتند ولی در خفا؟ در اولین روز های مراجعه ام به وزارت صحت عامه در حالیکه با برخورد ناپسند و توهین آمیز از مقابل دفتر وزیر صحت عامه رانده شدم همان روز خواستم تا با همجنسان خودم معین وزارت صحت دیوه صمد ببینیم او هر بار مرا به مشاورین اش راجع میکرد و پشت نخود سیاه میفرستاد. با مشاورین خانم اول دیدم آنها همچنان هر بار برایم دروغ گفتند و بهانه تراشی کردند با خانم مرجان متین معین وزارت معارف دیدم او هم در حالیکه به شنیدن حرفهای من بی علاقه بود . خودخواهانه و متبکرانه برخورد میکرد معلوم میشد که با دیدن من قهر میشود رنگ از صورتش میپرید و وعده دروغ داد .

تمام دغدغه ذهنی این خانم های که ملاقات کردم و در مهمترین نهاد ها و ادارات اکادمیک باید مسلکی فکر میکردند فقط جندر بود ذهنشان در مسایل زن بودن مشغول بود متاسفانه نمیدانستند که یک زن فراتر از محدوده جندر و جنسیت اش هم میتواند در جامعه مردانه کار کند همیشه همه مسایل علمی و اکادمیک را به جنسیت و جندر ربط دادن کار عاقلانه نیست .

حرفهایشان یک حالت دفاعی و محافظه کارانه داشت و بوی عقده میداد گویی کسانی در سنگر انتقامگیری آماده حمله به حریف بودند ولی در مقابل من چرا؟

میدانستم مقصر نبودند چون آنها فقط از ادرس جنسیت هایشان چانس حضور در آن مقامات برایشان داده شده بود . هنوز نمیدانستند در این وطن زبانی هم هستن که فراتر از جنسیت شان برای همه جنسیت ها مساویانه میخواهند کار کنند . نباید همیشه با خشونت در سنگر مخالفت و انتقامجویی آماده حمله بود . چانس برخورد مسالمت آمیز هم میتواند نتیجه مثبت بدهد .

با وزیر معارف میرویس بلخی دیدم . در حالیکه طرح های مرا در مورد صحت شاگردان شفاهی شنید پسندید خواست روی کاغذ بنویسم . شبها و روز ها نشستم طرح برای حمایت از سلامتی و صحت شاگردان نوشتم و تقدیمشان کردم شنیدم که در جلسه عمومی طرح دست داشته ام را به کارمندان وزارت معارف شفاهی یاد اوری کرده است بعد طرح ام را روی کاغذ گرفتند ولی همه چیز غیب شد. شاید از آن طرح برای معارف استفاده کنند ولی خودم را در زباله دانی انداخته باشند.

در مقابل نماینده وزارت معارف درخواست کارم را از طریق اصلاحات اداری رد کرد. به دلیل اینکه من داکتر طب هستم چرا در پست صحت معارف درخواست کار دادم؟ دلیل منطقی اصلاحات اداری به نظر شما؟

برای خیلی از دوستانم در صورت عدم دست رسی زنگ یا پیام گذاشتم که بکار نیاز دارم. از همه این دید و باز دید ها زنگ و پیام ها پاسخ های در یافت کردم فقط دروغ و یا بهانه تراشی بود. استخدام بند است.

این در حالیست که هر روز از طریق رسانه های اجتماعی می بینم که افراد در پست های خوب، در مکانهای خوب استخدام می شوند، برایم عجیب است چگونه استخدامی است برای من و امثال من بند ولی برای دیگران باز است؟

با بسیاری شرکت های سهامی که در سکتور صحت برده داری میکنند بیگاری کردم یعنی مجانی کار کردم ولی متوجه شدم اینها با من برده داری میکنند

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

تعجب نکنید که اگر میگویم که مرا اینها بخاطر داشتن توانایی هایم شکنجه میدهند حقیقت است ، چون برای من در بیگانه ترین کشور دنیا کار خوبی داده بودند . در میان نخبه ترین افراد جامعه خود به بهترین پوهنتون هایشان راهم دادند تا درس بخوانم. دروازه های شفاخانه هایشان را به رویم باز کردند تا بیشتر تجربه حاصل کنم و مکاتب و ادارات خود را به رویم باز کردند تا از داشته هایم استفاده کنند بیاموزانم و بیشتر بیاموزم . تشویق کردند . رشد یافتم اما در کشور خودم از وزارت های معارف و صحت عامه رانده شدم .

من دست خالی به هیچ اداره نرفتم تا برایم دلسوزی کنند و کار بدهند . من کار گدایی نمیکنم بلکه حق مشروع خودم را میخواهم تا به صفت یک فرزند دلسوز و صادق این وطن از توانایی هایم اندکی اگر بتوانم زخمهای این وطن را درمان کنم. در خدمتگذاری دست باز داشته باشم تا مثل دیگران سهم خود را در بازسازی این وطن ادا کنم .

طالبان مانع کار و خدمت من نشدند اما در حکومت فعلی بیکار ماندم  
من کسی هستم که هنوز نو جوان بودم که برخلاف دیگر دخترکان نوجوان و قد و نیم قد بجای نشستن در خانه و تماشای فلم های هندی میرفتم در زیر سایه حکومت طالبان بیرون از خانه کار میکردم تا برای مظلومترین زنان این سرزمین خدمت کنم .

من پابوی موثر های مسلح طالبان در جاده های پر از افراد مسلح طالبان به کمک بیجا شده گان جنگ های داخلی میشدافتم تا قطره آبی در صحرای خشک برای تشنگان شوم .

در جریان جنگ های شمالی من جوانترین عضو در ترکیب يك کلینیک سیار اولین قدم های بودیم که جرات کردم تا در میان تاجکستان های سوخته و هنوز شعله ور شمالی به کمک نیازمندان بشتابیم تا دستان مردمی را که زیر خاک و خاکستر باقی مانده از جنگ گیر مانده بودند بگیریم . دست کمک من در میان دود باروت به سوی کسانی دراز میشد که در زیر چنگال های هولناک جنگ در تاجکستان های شمالی هنوز نفس میکشیدند .

من اولین گامهای در شرایط بحرانی طالبان بودم که ویرانی های بینی حصار و موسیقی راه لوگر را میبیمودم تا به کمک زنان و کودکان مستمند انجا برسم. امروز از وزارت های معارف و صحت عامه رانده میشوم چرا؟ . دلیل چیست؟

من یک زن تحصیل یافته هستم . ناتوان نیستم و هیچگاهی دست عذر و ناتوانی به کسی دراز نمیکنم و نکردم تا برایم کار گدایی کنم تا فقط شکم خود را سیر بسازم . هدف من شکم سیری نیست خدمت است.  
سوال من اینجاست که اگر من همان زنی هستم که بنام من و همجنسان من نیم بودجه جامعه جهانی را برای سهم فعال

زنان حکومت مصرف میکند پس چرا یک سال است بیکارم و از وزارت های معارف و صحت عامه رانده میشوم .

من یک داکتر طب هستم کسیکه زخم های دردمندترین ها را در زمان بیچارگی های این ملت درمان شدم . به بیچاره ترین کودکان این سرزمین در زمان که همه از این وطن فرار میکردند درمان شدم . من هنوز نوجوان کم تجربه بودم که جرات کردم تا در پنج سال حکومت طالب چهار ساعت پیاده راه بروم تا به پرورشگاه علاوالدین برسم و برای کودکان یتیم انجا رضاکارانه بیاموزانم .

من جوانترین عضو در میان نخستین کسانی شدم که برای ترتیب کتاب رهنمای ملی صحت اطفال و نوجوانان وزارت صحت و رهنمای جدید جندر در سکتور صحت اولین گام ها بردارم. من اولین قدم برای آینده سازان معارف گردیدم و در نهایت اولین زنهای نویسنده بعد از تحولات در رسانه های انیس و صلاح بودم.

حالا که چنین سرگردانم برای چیست؟ برای این است که من عضو هیچ شرکت سهامی در تقسیم قدرت نیستم و از جانب هیچ خونخوار و ظالم که دستش به خون صد ها هزار بیگناه و مظلوم این کشور الوده است معرفی نمیشوم. این را میدانم که موجیم که آسودگی ما عدم ماست ما زنده بر آنیم که آرام نگیریم  
به بی عدالتی. برای سرنگون ساختن انهایی که ریشه بی عدالتی ها را در این سر زمین کاشتند و حالا این درخت خیانت را آب میدهند تا شان، شاخ و برگ بگیرد تا زنده هستم میرزم.

پایان